

مطالبه افزایش دستمزد را
به مطالبه ای ملی تبدیل
کنیم



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۵ / ۵ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۱

اعتصاب ۸۰۰ کارگر در
کارخانه نیشکر هفت تپه

صفحه ۹

تحلیل هفته

دستمزد ۹۶ ؛ تکرار فریب کاری های همیشگی



صادق کار

کارفرمایی و دولت نسبت به آن همدل بودند و چارچوب هایی را مشخص کردیم و به توافق رسیدیم." بنا به همین گزارش علی خدایی عضو کانون عالی شوراهای اسلامی کار نیز در گفت و گو ویژه خبری گفته، "تنها راه ما برای این که بتوانیم تعادلی را در خانوارها به وجود بیاوریم و نیازهای اولیه خانوارهای کارگری را پوشش دهیم، این است که سبد معیشت تعریف شود."

با وجود تأیید این توافق، از طرف همه اعضای شورای عالی کار، اما از خلال اظهار نظرهای هر دو عضو شورای عالی کار آشکار می شود که اختلاف بر سر تعریف سبد

دارند، بتازگی گفته اند که میزان افزایش دستمزد سال آینده بین ۹ تا ۱۱ درصد خواهد بود. برخی دیگر نیز مقدار افزایش دستمزد را بر مبنای نرخ تورم ۸،۶ درصد آذر که توسط دولت اعلام شده، پیشبینی کرده اند.

این اخبار در حالی مطرح می گردد که بنا بر گزارشی که توسط خبرگزاری فارس در ۱۳ دی ماه منتشر شد، اصغر آهنی ها عضو کانون عالی کارفرمایان کشور و یکی از نمایندگان سازمان های کارفرمایی در شورای عالی کار گفته اند: "الگویی را آغاز کردیم تا بتوانیم کار زیربنایی را در کشور انجام دهیم و گروه های کارگری،

جلسات شورای عالی کار به منظور تعیین افزایش دستمزد کارگران در سال ۹۶ از مدتی پیش پشت درهای بسته آغاز شده است، اما امسال نیز مانند دوره های گذشته، اطلاعات چندانی در مورد کم و کیف این جلسات به کارگران داده نمی شود و اطلاعات اندکی هم که به بیرون درز کرده بسیار ضد و نقیض اند و توسط علی خدایی نماینده شوراهای اسلامی کار و عضو کارگری شورای عالی کار مرتب تکذیب می شود و از فعالان کارگری خواسته می شود که سکوت کنند و منتظر نتیجه نهایی بمانند!

عده ای نیز که ظاهراً به اطلاعات درون شورای عالی دسترسی



افزایش دستمزد کماکان در حد سال های گذشته خواهد بود و بازهم قدرت خرید کارگران و عموم مزدبگیران وخیم تر از سال جاری خواهد شد. از سخنان متناقض علی خدایی عضو کارگری شورای عالی کار هم چنین بر می آید که امسال قرار نیست معجزه‌ای در این ارتباط رخ دهد، زیرا نه ترکیب، نه ماهیت و کارکرد شورای عالی کار هیچ کدام شان تغییر نکرده اند. خبر افزایش دستمزد را نیز برای احتیاط گذاشته‌اند تا مانند سال های پیش در روزهای پایانی اسفند اعلام کنند. نمایندگان شوراهای اسلامی در شورای عالی کار حتما وقتی کار از کار گذشت به سیاق گذشته خواهند گفت: "می خواستیم ولی در اقلیت بودیم، حرفمان را گوش نکردند..." ولی اگر این آقایان بجای سکوت کردن و پنهان کاری کارگران را که آماده هستند برای افزایش دستمزد به میدان بیایند، بطور منظم در جریان نتایج مذاکرات شورای عالی کار قرار می دادند و برای حمایت از خودشان به صحنه می کشاندند، در آن صورت امید می رفت که کارشان نسبت به سال های گذشته نتیجه بهتری داشته باشد، اما وقتی که خلاف آن رفتار می کنند، به اندازه کارفرمایان و دولت در این قضیه مقصرند. با این همه تا زمانی که میزان افزایش دستمزد رسماً اعلام نشده، باز هم فرصت است که علی خدایی و دوستانش در شورای عالی کار از طریق اطلاع رسانی به کارگران و دعوت شان به حمایت از مذاکره کنندگانی که ادعای نمایندگی شان در شورای عالی کار را دارند سعی کنند روی افزایش مزد تاثیر بگذارند و اگر تلاش کردند ولی موفق نشدند، در آن صورت از امضاء تصمیم نمایندگان کارفرمایان و دولت خودداری و نتیجه را عیناً به کارگران گزارش دهند.

گونه وعده‌های سرخرمنی که حتی به یکی از آن ها تا کنون عمل نشده زیاد داده شده.

کارگران نباید زیر بار افزایش دستمزد بر مبنای تورم ادعایی دولت که خواست مشترک دولت و کارفرمایان است بروند. چرا که همیشه دولت ها نرخ واقعی تورم را پنهان کرده‌اند و بهترین دلیل آن همین عقب افتادگی سطح دستمزدها به یک چهارم خط فقر طی بیش از سه دهه است. از آن گذشته، حتی اگر نرخ واقعی تورم را هم بگویند و بفرض این که دستمزدها را بر اساس آن افزایش دهند، در بهترین حالت در صورتی که قیمت کالاها مانند سال جاری افزایش پیدا نکنند، هم چنان سطح دستمزدها زیر خط فقر باقی خواهد ماند.

حتی اگر بپذیریم که نرخ تورم اعلام شده توسط دولت ساختگی نیست، ولی کاهش نرخ تورم لزوماً به معنی ارزان شدن کالاها و اساسی نیست، زیرا به رغم آن که دولت طی سال جاری چند بار خبر از کاهش نرخ تورم داده است، به گواه تازه‌ترین داده های آماری رسمی، قیمت اکثر کالاها طی سال جاری بین ۵ تا ۴۰ درصد نسبت به سال گذشته افزایش داشته‌اند. بنا براین ملاک اصلی افزایش دستمزد منطقاً می بایست همه ساله حداقل مطابق قیمت واقعی کالاها در بازار تعیین شود. حتی در این صورت نیز قدرت خرید کارگران تنها ثابت می ماند و افزایش واقعی در آن بوجود نمی آید. این که نمی شود دستمزد کارگر تابع اراده دولت و کارفرمایان گردد ولی تعیین قیمت کالا و خدمات بر عهده بازار قرار داشته باشد.

متأسفانه امسال نیز بنا به دلایل و شواهدی که ذکرشان رفت میزان

معیشت بین طرفین بسیار عمیق است و نمایندگان سازمان های کارفرمایی با اشاره به رکود بخش تولید و میزان بالای مالیات و عدم پرداخت سهمیه بخش تولید از یارانه ها توسط دولت به رغم اذعان به پائین بودن سطح دستمزدها و نشان دادن همراهی ظاهری با کارگران، مایل به افزایش دستمزد بر مبنای سبد هزینه خانوار نیستند و با مهارت مانند سال های گذشته در تلاشند تا همه تقصیر ها را به گردن دولت بیندازند. عبدالرضا مصری عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی هم چنان که از او انتظار می رفت، با گفتن " کارفرما هزینه های زیادی را برای تولید متحمل می شود، لذا قدرت ریسک کارفرماهای ما پائین است" جانب کارفرمایان را گرفته است. دولت نیز از ابتدا نشان داده که به رغم اذعان به پائین بودن سطح دستمزدها، اساساً مایل به افزایش دستمزدها بر مبنای میزان واقعی تورم و سبد هزینه‌ها که در تبصره دوم ماده ۴۱ در قانون کار یکی از مبنا های افزایش دستمزد است نیست و افزایش دستمزد بر مبنای نرخ تورم ادعایی اش را مد نظر قرار خواهد داد.

مبنای افزایش ۱۰ درصد به حقوق کارمندا، نیز بر همین مبنا صورت گرفته. با این حال ممکن است در نهایت دستمزد سال ۹۶ کارگران اندکی بیشتر از کارمندان شود، و بعد هم وزیر کار مثل سال گذشته مدعی گردد که با افزایش بیش از نرخ تورم دستمزدها قدرت خرید کارگران را بالا برده‌اند! علی خدایی نیز ظاهراً در نهایت تسلیم شد است و از خیر تعیین دستمزد بر اساس هزینه سبد هزینه خانوار گذشته، زیرا که در جایی از این گفت و گو یک زمان پنج ساله برای انجام این کار تعیین کرده، که البته در سال های گذشته نیز از این



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۵ / ۵ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۱

پیمان های دسته جمعی را تواما به رسمیت شناخته و مورد تاکید قرار گرفته. اما اولین گام در این مسیر پیدا کردن زبان مشترک بین تشکل های مستقل کارگری و پرهیز از افتراق بر سر مسائل جزئی و کلمات و در گیر شدن در بحث های نا بهنگام و غیر ضرور تئوریک و سیاسی است. فعلا هدف باید معطوف به ساختن وسایل لازم برای افزایش دستمزدها باشد و همه فعالان و تشکل ها باید بدور از گرایشات فکری شان حول این موضوع با هم همکاری کنند و در این صورت همه کارگران نیز از تلاش های آنان و تشکل هایشان حمایت خواهند کرد.

را از طریق ساز و کار به اصطلاح سه جانبه گرایی بهبود بخشند، بلکه سال به سال باید شاهد

افت بیشتر سطح دستمزدها و زندگی شان باشند. این یک واقعیتی است که طی ۳۸ سال

گذشته نیز ما به عینه آن را تجربه کرده ایم و در سایر کشورها هم وضع کماکان به همین گونه بوده. راه کار، کارآمدتر از سه جانبه گرایی، انعقاد قرارداد دسته جمعی از طریق انجام مذاکره مستقیم بین اتحادیه های واقعی و مستقل کارگری و کارفرمایی بر مبنای مقاله های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار است که در آن ها حق و شرایط فعالیت سندیکایی، حق اعتصاب و انعقاد

راه کار سه جانبه گرایی به شکلی که در ایران تا کنون اجرا شده همیشه نتیجه اش به دلیل عدم حضور نمایندگان اتحادیه های کارگری مستقل، در اقلیت بودن نمایندگان کارگران و ضعف و نارسایی قوانین، در هر زمینه ای از موضوع اصلاح قانون کار گرفته تا تعیین دستمزد به سود کارفرمایان و به زیان کارگران تمام می شود. کارگران نیز بدانند، تا زمانی که در اتحادیه

های نیرومند و مستقل کارگری متحد نشوند و در هنگام نیاز به شکل وسیع مبادرت به اعتصاب نکنند، نه تنها محال است بتوانند سطح دستمزد ها و زندگی شان

**کرامت انسانی، دستمزد مناسب،
بیمه و امنیت شغلی
حق انکار ناپذیر کارگران است؛**

**برای رسیدن به زندگی بهتر،
مطالبه افزایش دستمزد
را به مطالبه ای ملی تبدیل کنیم**





بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۵ / ۵ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۱

از تجربه دیگران

پژوهشی در اتحادیه های صنفی قبرس

تاریخچه جدایی ها و چالش های مشترک آینده (بخش ۱۳)



۲۰۱۳: تظاهرات کارگران بانک مرکزی قبرس علیه طرح اخراج

گرگوریس ایوانو و سرتاک سونان

دسامبر ۲۰۱۴

ترجمه گودرز

وضعیت عمومی اقتصاد و مذاکرات جمعی

شمال – منطقه ترک تار

تولیدی هم تاثیر گذاشت و تقاضا برای کارگران متخصص بالا گرفت. چنین افزایشی در تقاضا با ازدیاد مهاجرت بویژه از ترکیه روبرو شد. گرچه این رشد اقتصادی مدت زیادی پابرجا نماند ولی در کل در سال ۲۰۱۲ رقم کارگران مهاجر به نسبت ۴۲٪ کل کارگران شاغل در شمال را تشکیل می داد.

بدنبال رد قطعنامه سازمان ملل برای اتحاد دو منطقه قبرس توسط یونانی-قبرسی های جنوب، منطقه ترک نشین قبرس به عضویت اتحادیه اروپا درنیامد، گرچه تحرک ناشی از برگزاری همه پرسی باعث هدایت تغییرات عمده ای در اقتصاد جامعه ترک-قبرسی های جزیره هم شد. بطور مثال برخی مواد برنامه سازمان ملل درباره مسکن باعث شد رشد بیسابقه ای در صنایع ساختمان سازی ایجاد شود و بازار مسکن را تحت تاثیر قرار دهد. این شرایط بر سایر صنایع وابسته مانند صنایع حمل و نقل، تجارت و واردات، خرده فروشی و صنایع



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

یکشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۵ / ۵ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۱

دیدگاه عمومی آن است که قراردادهای جمعی هدف هجوم و درحال نابودی و ناپدید شدن اند.

روابط کارگری برای کارکنان دولت، از سوی دیگر، بر اساس آئین نامه های سالانه تنظیم می شود، که اگر بین دولت و دو اتحادیه سراسری کارکنان دولت توافقی حاصل شود، آن توافق امضا می شود. حقیقت اما این است که آخرین باری که چنین قراری امضا شده مربوط به سال ۲۰۰۷ است؛ با این تأکید که در سالهای اخیر رابطه دولت با این اتحادیه ها چندان خوب نبوده است و این نشانه دیگری است که دولت چندان هم برای توافق جمعی ارزشی قائل نیست و آنرا جدی نمی گیرد.

جای تعجب نیست که، مانند جنوب، این مهاجرت ها باعث پایین نگه داشتن دستمزد ها علیرغم افزایش تقاضای کار بودند. مضافاً عدم وجود سیستم کنترل در بازار کار شرایطی را پدید آورد که زمینه را برای استثمار این کارگران فراهم می آورد. همان طور که گوین لیسانلر و اوگورال می نویسند: "کارگران مهاجر در تمام بخش های صنعتی و کسب و کارهای جزیره استخدام می شدند و در عین حال از نظر حقوقی و ساعت کاری در هفته هم مورد استثمار قرار می گرفتند. آنها تقریباً ۱۰ تا ۱۲ ساعت در روز و ۶ روز در هفته کار می کنند و در برخی از صنایع دور از نظر ادارات کار حتی ۷ روز در هفته مجبورند به کار بپردازند.

اما برخلاف جنوب، فارغ از قراردادهای جمعی که با و وزارت دارایی امضا شده و کارگران یدی در Kamu-IS بخش عمومی و دولتی را پوشش می داد، تعیین دستمزد ها و توافق جمعی در شمال قبرس فقط در سطح کارگاهی و عموماً در بخش های نیمه دولتی، شهرداری ها و تعاونی ها صورت می گیرد. از ۶۷ توافق جمعی که در سال ۲۰۱۲ امضا شده و در بولتن وزارت کار و تأمین اجتماعی ذکر شده بودند، بطور مثال فقط ۶ قرارداد مربوط به بخش خصوصی بودند. علاوه بر این در مذاکرات اکثریت قاطع این توافق ها بجای آن که دو درگیر آنها Turk-Sen و Hur-IS فدراسیون فراگیر مثلاً باشند، اتحادیه های جزئی بخشی و کوچکترین اتحادیه در آنها نقش داشتند. حتی شهرداری ها Dev-IS چتری هم مذاکرات را بصورت انفرادی و جدا از هم انجام می دهند؛ ۲۵ شهرداری که منفرداً در مذاکرات جمعی شرکت کرده بودند ۵ اتحادیه کوچک صنفی طرف مذاکره بودند. به عبارت دیگر بجای آن که از عدم مرکزیت در مذاکرات جمعی صحبت کنیم، باید از تفرقه در میان اتحادیه ها در شمال قبرس صحبت کنیم.

دوران اعتبار قرارداد های جمعی نمی تواند از یک سال کمتر و از دو سال بیشتر باشد و مانند جنوب آنها تمام جنبه های رابطه استخدامی را تنظیم می نمایند که شامل نرخ واحد دستمزد برای انواع مختلف حرفه و تخصص ها و طبقه بندی قابلیت، نرخ برابری دستمزد با تورم سالانه، نرخ و درصد افزایش حقوق برای اضافه کاری، تعداد روزهای تعطیل رسمی، مرخصی سالانه و مرخصی استعلاجی، و سایر جزئیات منافع و پاداش ها را پوشش می دهند. نکته قابل ذکر این است که حتی در بخش های نیمه دولتی هم کارگران همیشه منتظر مذاکرات جمعی برای چانه زنی بر سر جزئیات اند. مثلاً در سازمان رادیو و تلویزیون دولتی توافق برای سالهای ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ سرانجام در ماه نوامبر امضا شد؛ یعنی دوماه قبل از پایان سال و شروع سال جدید. بطور عام

تعداد کارکنان بر اساس فعالیت اقتصادی (سال ۲۰۱۰)

بخش براساس صنعت	کل تعداد ۹۳،۴۹۸
کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری	۵،۳۰۰
استخراج معادن	۷۳
تولیدات صنعتی	۸،۳۹۳
صنایع برق، گاز، آبرسانی	۱،۳۰۵
صنایع ساختمانی	۷،۷۴۶
عمده فروشی، خرده فروشی و تعمیرات	۱۶،۵۴۷
هتلداری و رستوران ها	۷،۴۷۰
صنایع حمل و نقل، انبارداری و مخابرات	۵،۲۰۶
امور مالی و خدمات بیمه	۳،۴۹۸
خدمات ملکی و بازرگانی	۴،۶۸۶
خدمات و مدیریت اداری و بازرگانی	۱۵،۶۶۹
آموزش و پرورش	۹،۱۴۹
خدمات بهداشتی و تأمین اجتماعی	۲،۴۸۱
سایر خدمات محلی، اجتماعی و خصوصی	۶،۴۰۸

Employment by Economic Activity (2010)



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۵ / ۵ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۱

دیگر کشورها

تصویب بررسی طرح تشکل های بزرگ کارگری اسپانیا پرداخت ۴۲۶ یورو به شهروندان بی کار



تشکل های بزرگ کارگری اسپانیا " کمیسیون های کارگری و اتحاد عمومی کارگران " طرحی را به مجلس ارائه دادند که بموجب آن تمامی شهروندانی که کار خود را از دست داده اند و دارای هیچ گونه درآمدی نیستند، ماهانه مبلغ ۴۲۶ یورو از دولت دریافت کنند. سندیکاهای کارگری قبل از ارائه آن به مجلس آن را به امضاء ۷۰۰ هزار شهروند اسپانیایی رسانده بود.

هفته گذشته در جلسه عمومی مجلس نمایندگان بررسی این طرح با اکثریت آراء به تصویب رسید. ائتلاف احزاب راست که حکومت را در دست دارند، رای منفی به این طرح دادند، ولی تمامی احزاب دیگر حاضر در مجلس به آن رای مثبت داده و آن را بتصویب رساندند.

کمیسیون های کارگران " اعلام کرده است: حدود دو میلیون و ۶۰۰ هزار شهروند که دارای هیچ گونه درآمدی نیستند و " حتی بیمه بیکاری دریافت نمی کنند و کاملاً بی پناه و بی سرپناه هستند، از این قانون در صورت تصویب نهایی بهره‌مند خواهند شد.

مطابق محاسبات این سندیکاها هزینه سالانه این پروژه بالغ بر ۱۲ میلیارد یورو است.

البته برای تصویب نهایی این طرح راهی طولانی را باید پیمود و شاید تا پایان سال ۲۰۱۷ به انجام برسد.

اونیدوس پودموس " ائتلاف احزاب چپ "، ضمن پشتیبانی از این طرح، پیشنهاد بالا بردن این مبلغ را داده است، به این دلیل که این مبلغ برای تامین حداقل نیازهای یک خانواده کوچک ناکافی است. نماینده حزب سوسیالیست در دفاع از آن گفت که تصویب این طرح بمعنای بزرگترین گام برداشته شده برای گسترش عدالت اجتماعی در سال های اخیر است.

بحران بی سابقه اقتصادی که از سال ۲۰۰۷ در اسپانیا شروع شد و بدنبال آن اعمال سیاست های ریاضت اقتصادی (دیخته شده از پارلمان اروپا) شکاف های اجتماعی را در اسپانیا بسیار تعمیق کرد و هم اکنون نزدیک به سه میلیون کودک در معرض فقر و کمبود مواد غذایی زندگی می کنند.

تصویب این طرح موفقیت بزرگی برای نیروهای مدافع بسط عدالت اجتماعی در اسپانیا خواهد بود.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۵ / ۵ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۱

از جهان کار

اقتصادی برای ۹۹ درصد - ۲



توضیح بولتن کارگری: در شماره قبل ترجمه بخشی از گزارش سازمان اُکسفام (Oxfam) که در آستانه برگزاری فوروم جهانی اقتصاد - مشهور به کنفرانس داووس - انتشار داده شده است، از نظر خوانندگان گذشت. در این شماره ترجمه بخش دیگری از این گزارش را می خوانید.

علت های نابرابری

شرکت ها در خدمت بالائی ها

وضع مشاغل و کسب های پردرآمد در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ بسیار خوب بود؛ سود آنها سرشار بود و درآمد ۱۰ درصد بزرگترین شرکت دنیا با هم از درآمد کل ۱۸۰ کشور فزونی گرفت.

کسب و کار رگ حیاتی اقتصاد بازار را تشکیل می دهد، و برای ایجاد جامعه ای عادلانه و نیک بخت دارای اهمیت حیاتی است که کسب و کار در خدمت منافع عمومی عمل کند. اما وقتی شرکت ها به نحو فزاینده ای فقط برای ثروتمندان کار کنند، ثمرات رشد اقتصادی از آنان که بیشترین نیاز را به این ثمرات دارند، دریغ خواهند شد. شرکت ها با تعقیب این هدف که بیشترین عایدات را نصیب بالائی ها کنند، به "چلانیدن" سخت و سخت تر کارگران و تولیدکنندگان و فرار از مالیات - که می تواند به نفع همگان خاصه به نفع تهیدست ترین مردم به کار گرفته شود - رو می آورند.

فشار بیشتر بر کارگران و تولیدکنندگان معمولی

در حالی که درآمد بسیاری از مدیران عامل شرکت ها، که معمولاً در سهام شرکت ها هم سهام دارند، موشک وار بالا و بالاتر می رفته است، دستمزد کارگران و تولیدکنندگان معمولی به دشواری افزایش می یافته و در برخی

به هیچ عنوان و طریقی نمی توان از این واقعیت گریخت که بزرگترین برندگان اقتصاد جهانی گروه معدودی در رأس این اقتصاد است. تحقیق اُکسفام آشکار کرده است که در خلال ۲۵ سال اخیر، درآمد ۱ درصد بالائی ها بیش از کل درآمد ۵۰ درصد پائینی ها بوده است. حتی به دور از یک باریکه ای به سمت پائین، درآمد و ثروت به نرخ و میزان هشداردهنده ای به سمت بالائی ها جریان داشته اند. علت چیست؟ شرکت ها و فوق سرمایه داران نقش کلیدی را در این مورد به عهده دارند.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

یکشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۵ / ۵ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۱

نرخ مالیات شرکتها در سراسر دنیا سیر نزولی داشته است و این واقعیت - همراه با فرار مالیاتی پردامنه - پرداخت کمترین مالیات توسط شرکتها را تضمین کرده است. گفته می شود که شرکت "اپل" در سال ۲۰۱۴ بر سود اروپائی خود فقط ۰/۰۰۵ درصد مالیات پرداخته است. کشورهای در حال توسعه در اثر فرار مالیاتی سالانه بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار از دست می دهند. کشورهای دیگری هم هستند که سالانه میلیاردهای باز هم بیشتری را به علت بخشودگی ها و استثنائات مالیاتی از دست می دهند.

این تهی دست ترین مردمان اند که از این وضع بیشترین لطمه را می بینند، زیرا آنان بیشترین اتکا را به خدمات عمومی دارند؛ خدماتی که این میلیاردهای از دست رفته می توانسته اند فراهم آورند. کنیا هر ساله به علت بخشودن مالیات شرکت ها ۱/۱ میلیارد دلار را از دست می دهد. این مقدار، حدوداً دوبرابر بودجه بهداشت این کشور است؛ کشوری که احتمال مرگ زنان در هنگام تولد برابر ۱ به ۴۰ است. چه عواملی شرکت ها را به چنین رفتاری ترغیب می کنند؟ دو عامل: تمرکز بر عایدات کوتاه مدت برای سهامداران و تقویت گرایش "سرمایه داری رفاقتی".

سرمایه داری سهامداران حرص (super-charged)

شرکتها در بسیاری از نقاط دنیا به نحو فزاینده ای مبتنی بر یک انگیزه ساده حرکت می کنند: بیشترین سود رسانی به سهامداران شان. این نه فقط به معنای اقدام برای بیشترین سود در کوتاه مدت است، بلکه به معنای پرداخت سهم هرچه بیشتری از این سود به کسانی است که دارای این سهام اند. در سال ۱۹۷۰ در بریتانیا، ۱۰ درصد سود سهام به سهامداران تعلق می گرفت. این مقدار اکنون به ۷۰ درصد بالغ شده است. در هند این میزان کمتر است، اما سیر صعودی سریعی دارد و در حال حاضر در بسیاری از شرکتها بالای ۵۰ درصد است. ان وضع مورد انتقاد بسیار کسان، از جمله لاری فینک، مدیرعامل بلک روک (Blackrock) بزرگترین مدیر دارائی در جهان) و آندرو هالدانه اقتصاددان ارشد در بانک انگلیس، است. پرداخت فزاینده سود سهام به سهامداران اقدامی به نفع ثروتمندان است، و از آنجا که اکثر این سهامداران از ثروتمندترین های جامعه اند. موجب افزایش نابرابری است.

سرمایه گذاران مؤسساتی، مثل صندوقهای بازنشستگی، سهم کاهنده و ناچیزی در شرکتها دارند. سی سال پیش صندوقهای بازنشستگی صاحب ۳۰ درصد کل سهام در بریتانیا بودند، اکنون فقط ۳ درصد.

هر دلار سودی که به سهامداران شرکتها پرداخت می شود، دلاری است که می توانسته برای دادن دستمزد بیشتری به کارگران و تولیدکنندگان، برای پرداخت مالیات یا برای سرمایه گذاری در زیرساختها و نوسازی صرف شود.

موارد حتی کمتر هم می شده است. حقوق مدیرکل یک شرکت انفورماتیک دست اول هندی ۴۱۶ برابر حقوق کارگر متوسطی در همان شرکت است. در سالهای ۸۰ قرن گذشته، سهم کشاورزان کاکائو از فروش شکلات حدوداً ۱۸ درصد بود. امروزه فقط ۶ درصد است.

در موارد افراطی حتی از کار اجباری و بردگی بهره گرفته می شود تا هزینه های شرکت پائین نگه داشته شوند.

برابر تخمین سازمان بین المللی کار ۲۱ میلیون کارگر در بازارهای کار اجباری به کار گرفته شده اند.

این عده عایداتی برابر ۱۵۰ میلیارد دلار در سال نصیب کارفرمایانشان می کنند.

بزرگترین شرکتهای نساجی در دنیا با کارگاه های نخ ریزی ای در هند کار می کنند، که کار اجباری دختران در آنها یک امر عادی است. زنان و دختران به طور غالب کارگران با کمترین دستمزدها در متزلزل ترین شرایط کاری را تشکیل می دهند. شرکتها در سراسر دنیا، با بیرحمی برای کاستن از هزینه های کار اقدام می کنند؛ اقدامی که متضمن عایدات کم و کمتر کارگران و تولیدکنندگان در زنجیره تولید این شرکتها، از ثمرات رشد اقتصادی است.

فرار از مالیات

بیشتر شدن سود شرکتها ماحصل پرداخت حتی الامکان کمتر مالیات نیز است. آنها به این منظور از بهشت های مالیاتی یا کشاندن کشورها به رقابت با هم برای کاستن از مالیات و بخشودگی مالیاتی استفاده می کنند.



اعتصاب ۸۰۰ کارگر در کارخانه نیشکر هفت تپه



عکس از آرشیو

به نقل از سایت بنام سندیکا

صبح ۱۶ بهمن ۹۵ حدود ۸۰۰ کارگر روزمزد؛ نی بر فصلی و کارگران بازنشسته شرکت نیشکر هفت تپه دست به اعتصاب و اعتراض زدند و پس از خاموش کردن آسیاب های کارخانه و بستن در ورودی شرکت و بستن انبارهای تخلیه شکر تولیدی؛ وارد دفتر مدیریت کارخانه شدند و با مدیر کارخانه و رئیس حسابداری درگیر می شوند و در نهایت اقدام به شکستن میز و صندلی دفتر می کنند.

عصر همان روز به دلیل قفل کردن درهای ورودی شرکت توسط کارگران نی بر، یگان ویژه شهرستان شوش جهت بازکردن درهای ورودی کارخانه وارد عمل گردید، که به دلیل مقاومت کارگران نی بر، نیرو های ضد شورش موفق به باز کردن درهای ورودی نشدند، کارگران نی بر اعلام کردند: یا مرگ یا پاسخ دهی به مطالبات.

پس از مدتی کارفرمای شرکت اعلام کرد: به خواسته های کارگران نی بر تن داده و با صدور بخشنامه ای ابلاغ کرد، که در تاریخ ۱۷ بهمن ۹۵ دو ماه حقوق کارگران را واریز می کند و پاداش بهره برداری را نیز در هفته اول اسفند پرداخت خواهد کرد. ضمناً مبلغ ۱۰ میلیارد تومان معوقه بیمه حد فاصل سال

۶۸ الی ۹۲ آن ها را که مصوبه مجلس در خصوص کارگران نی بر است را نیز در بهمن ماه می پردازد.

بعد از صدور بخشنامه، کارگران اقدام به بازکردن درهای ورودی شرکت کردند و کار ورود نیشکر به کارخانه و راه اندازی مجدد کارخانه شروع شد. ضمناً کارگران بازنشسته رسمی برای حق سنوات، تجمع خود را ادامه خواهند داد و این موضوع را به اطلاع نماینده شهر و مسئولان رسانده اند.



نامه جمعی از فعالان اجتماعی به رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس

کول بری انتخاب نیست اجبار است

به نقل از سایت حقوق معلم و کارگر

۶۰ فعال مدنی و سیاسی با انتشار نامه‌ای سرگشاده به حسن روحانی و نمایندگان مجلس ایران، در پی جان باختن تعدادی از کولبران در منطقه «بیوران» از توابع شهرستان سردشت که شام گاه شنبه بر اثر ریزش بهمن اتفاق افتاد، خواستار رسیدگی به وضعیت کولبران در مناطق مرزی کردستان شدند.

متن نامه و اسامی امضاکنندگان به شرح زیر است:

ریاست محترم
نمایندگان محترم
جمهوری مجلس

همان گونه که مستحضرد حلقه دیگری به زنجیره تلفات انسانی یکی از محرومترین اقشار جامعه ما یعنی کولبران افزوده شد. قطعا به سبب در اختیار داشتن منابع مختلف رسانه‌ای و گزارش‌های رسمی و غیررسمی، از وضعیت معیشتی مرزنشینان کورد بویژه کولبران مطلع هستید. واژه‌ای که چندین سال است برای همگان نامانوس نیست، اما پرسشی که در اذهان مردم این دیار مطرح است، آیا مسئولان و مدیران از رنجی که این شهروندان برای تامین حداقلی نیازهای اساسی زندگی خود متحمل می‌شوند، آگاه هستند؟ قبل از هر چیز باید گفت؛ در بین قاچاقچی که تنها در فکر اندوختن مال و سرمایه با هر وسیله ممکن و افراد کولبر که از روی ناچاری متحمل سخت‌ترین، پرزحمت‌ترین و خطرناک‌ترین کار برای امرار معاش خود و خانواده‌شان هستند، تفاوت بسیار است، لذا می‌توان گفت کولبری شغل نیست و صرفا

تلاشی است برای زیستن، اما نه زندگی مرفه آنه بلکه تحمل محنت‌های فراوان همراه با قناعت و زندگی روزمرگی.... این زحمتکشان گمنام از روی طمع یا جاه‌طلبی به این کار پرزحمت روی نیاورده‌اند، بلکه برای قوام یک زندگی بخور و نمیر، مجبورند شبانه‌روز کوله‌بارهای سنگین و طاقت‌فرسا را در فضایی پرمخاطره بر دوش بکشند و گاهی هم در این راه جان خود را از دست دهند.

امضاکنندگان این نامه نظر به درک شرایط و وضعیت ناگوار این عزیزان که بازتاب داخلی و خارجی آن می‌تواند، تاثیر ناگواری بر وجهه کشور و ملت ما داشته باشد، ذکر نکات ذیل را جهت اقدامات لازم از سوی مسئولان مربوطه ضروری می‌دانند، باشد که این شهروندان مانند دیگر هموطنان از امکانات کشور بهره‌مند و برای تامین یک زندگی معمولی ناچار نشوند از جان خود هزینه بگذارند.

۱/ اولین نکته که در تفاوت بین دو واژه قاچاق و عمل کولبری بایستی بدان توجه شود، جنبه فرهنگی این مسئله در نزد

مردم کردستان است، درک و تعریف مردم کردستان که کولبران نیز بخشی از آن هستند، از قاچاق تا حد زیادی با تعریف قانونی آن متفاوت است، یعنی درک و ذهنیت مشترک وجود ندارد، در نگاه مردم کرد به ویژه مرزنشینان از زمان‌های دور خرید و فروش مواد مخدر و کالا و مواد مضر بحال فرد و جامعه و نامشروع از مصادیق قاچاق بشمار می‌آیند. می‌توان گفت؛ بسیاری از مردم کردستان، مشاغل را بر اساس حلال و حرام بودن کالای مورد معامله و نه بر اساس نتیجه مطلوب یا نامطلوب بودن آن در نظام اقتصادی ارزش‌گذاری می‌کنند، و در این راستا قاچاق چیان مواد مخدر و ... امثال آنان را مطرود و منفور و در مقابل کولبران که به عنوان افرادی شریف و زحمتکش در پی کسب معیشت و روزی حلال هستند، مورد تقدیر مردم هستند، فقدان ذهنیت و تعریف مشترک در بین مردم و مسئولان و عدم اعمال اراده در حل مشکلات اساسی و تاریخی که ناشی از تفاوت‌های مرکزنشینی و خارج از مرکز است، مزید بر علت شده و این تفاوت دیدگاه چه در جنبه حقوقی و فرهنگی بدون استفاده از نظرات و



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
یکشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۵ / ۵ فوریه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۷۱

دیدگاه‌های صاحب‌نظران راه حلی
برای آن ممکن نیست.

۲/ همان گونه که در قانون اساسی آمده یکی از وظایف دولت ایجاد اشتغال برای همه ملت است، در اصل ۲۸ قانون اساسی آمده است، دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال بکار با شرایط مساوی را

برای احراز مشاغل ایجاد کند، در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز اشتغال مورد توجه قرار گرفته است و در ماده ۲۳ آمده است که هر انسانی حق دارد که صاحب شغل بوده و آزادانه شغل خود را انتخاب کند، شرایط کاری منصفانه خود را دارا باشد و سزاوار حمایت در مقابل بیکاری است.

اکنون این پرسش مطرح است که آیا مطابق قانون اساسی ایران یا اعلامیه حقوق بشر امکانات کار و اشتغال برای شهروندان کرد فراهم آمده است؟ آیا در برخورداری از اشتغال مورد حمایت هستند؟ آیا از شرایط کاری منصفانه برخوردارند؟ آیا امکان انتخاب شغل وجود دارد یا اکثر مردم از سر ناچاری و بالاجبار به مشاغل سخت و طاقت‌فرسائی چون کولبری روی می‌آورند؟ مقایسه آماری در مناطق مختلف کردستان با دیگر مناطق برخورداری نشان می‌دهد که کولبری یک انتخاب نیست بلکه یک اجبار است و اگر انتخاب شغل دیگری در کردستان امکان‌پذیر بود بدون تردید اکثریت کولبران به این حرفه طاقت‌فرسا روی نمی‌آوردند؟ علاوه بر آن مقایسه شاخص‌های توسعه اقتصادی کردستان با دیگر مناطق کشور،

از وجود نابرابری در امر سرمایه‌گذاری و عدم توجه دولت به این مناطق حکایت دارد.

ریاست محترم جمهور و نمایندگان محترم شورای اسلامی می‌توانید اخبار مربوط به مناطق مرزی را به دقت مرور کنید که با کولبران چگونه برخورد می‌شود؟ لذا نظر به جایگاه قانونی و حقوقی و مسئولیتی که مردم به شما سپرده‌اند و نیز با توجه به تاکید صریح و دقیق رهبری بر این نکته که منظور ایشان از مبارزه با قاچاق کالا مقابله با کولبران ضعیفی نیست که در بعضی مناطق کالاهای کم ارزش وارد می‌کنند، استدعا می‌شود که در کوتاه‌مدت اقدامات مثبتی برای حمایت و دلجویی از آسیب‌دیدگان، هم‌چنانکه به نیکی در حادثه دلخراش ساختمان پلاسکو انجام شد انجام دهید و در درازمدت در جهت توسعه این مناطق و ایجاد مشاغلی که شهروندان بتوانند از حقوق قانونی و شهروندی خویش برخوردار و در کمال آرامش، امنیت و عزت از زندگی سربلند برخوردار گردند، برنامه‌ریزی کنید.

-امضاکنندگان

-دکتر عبدالله رمضان زاد

اسماعیل مفتی‌زاده

دکتر جلال جلالیزاده -

دکتر خالد توکلی -

دکتر صلاح‌الدین خدیو -

سید محسن رضوی -

دکتر سید هاشم هدایتی -

دکتر رئوف کریمی -

حسن امینی -

هادی ادب -

دکتر عبدالله ابریشمی -

دلیر اسکندری -

اجلال قوامی -

دکتر علی شمس برهان

مهندس حامد فرازی -

دکتر باقر پیری -

عیسی خان حاتمی -

دکتر بهروز زارعی -

دکتر سهراب زنگنه -

دکتر کمال آزادمنش -

دکتر علی اشرافی -

دکتر اسعد یوسفی -

دکتر هدایت صبوری -

مهندس صلاح عباسی -

احمد حبیبی -

مسعود کوردپور -

دکتر لطیف صفری -

فرهاد امین‌پور -

مهندس عبدالرضا موسوی اجاق -

سید مسعود حسینی -

دکتر محمدآزاد جلالی زاده -

رمضان یوسفی -

سید یدالله سبحانی -

دکتر عثمان عزیزی -

محسن نیکخواه -

مظهر نوری -

ابراهیم مردوخی -

حمزه یوسفی -

امجد قسیمی -

مهندس کریم حسین‌زاده -

مهندس باقر ضیائی -

دکتر غلامحسین کریمی -

دکتر احمد نعمتی -

دکتر پیمان قدمی -

دکتر جمال مشتاق -

امیر سجادی -

دکتر محمدعلی کوشا -

دکتر جلیل صحرایی -

دکتر علی آقاصادقی -

فریدون سپری -

کتایون محمودی -

حمید مهدوی -

موسی امیدي -

حسین احمدی‌نیا -

امیر عبدالله زاده -

کمال حسینی -

جمال دانشمند -

بختیار خوشنام -

عثمان مزین -

ژیانا اسکندری -